

خدا، پیامبر را «شمع» زندگی انسان‌ها معرفی می‌کند! «انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً».

«سراج» همان چراغ است و «سراج منیر»، چراغ روشنی‌بخش است. چنین چراغی خود را مصرف دیگران می‌کند و در دیگران خود را تکثیر می‌کند و تداوم می‌بخشد.

گفتیم شمع «خاموشانه» می‌سوزد. در سکوت، روشنی می‌دهد. بی‌هیچ ادعا و تبلیغ و سرو صدا، می‌ایستد و می‌سوزد و می‌افروزد.

شمع می‌گیرد تا دیگران بخندند، می‌میرد تا حیات و زندگی پا بگیرد

سوختن بی‌آن که «آخ» بگویی، شیوه شیرین شمع است. اشک ریختن برای آن که دیگران تبسمی بیابند. در همان مجلس تولد، شما می‌خندید و شمع می‌گیرد. «قیمت» شمع در همین ویژگی است. به بهای تبسمی، گریستن، به قیمت شادی دیگران، سوختن!

حالا در امتداد این نوشته، خودت چند ویژگی دیگر شمع را کشف کن. مطمئنم با درنگی کوتاه، نکته‌های بسیاری خواهی یافت.

قبل از این که مطلب را تمام کنم، سؤال مهمی نیز دارم. چرا در جشن تولد، شمعهای روشن را فوت می‌کنیم و خاموش می‌کنیم. آیا بهتر نیست به تعداد سالهای زندگی‌مان برای دیگران شمع روشن کنیم؟ این‌طوری بهتر نیست؟

اگر کسی هر سال زندگی دیگران را میهمان شمعها و روشنیها کند، واقعاً جای تبریک دارد.

تصمیم با شماست. سال روز تولد شما چه روزی است؟ این را از شمعهای روشن که به دیگران هدیه می‌کنند، بپرسید.

این بار اگر جشن تولد شمع، این آشنای صمیمی سفره تولد و عروسی را دیدی، این نوشته را به یاد بیاور.

راستش من نمی‌دانم چند هزاره است که شمع میهمان شب و روز انسان‌هاست.

روزگاران گذشته، در خلوت شبانه انسانها، ساکت و بی‌ادعا می‌ایستاد تا در پرتوش، شاعری شعری بگوید، نویسنده‌ای حاصل تفکر و تأمل خویش را بنگارد؛ زنی لباس را وصله بزند و عاشقی اشک‌ریزان، به اشک‌ریزی او اقتدا کند.

امروز هم شمع میهمان انسان است، دست‌کم در سه موقعیت: تولد، ازدواج و مرگ!

چه موقعیت‌های عجیب و متفاوتی!

شمع را با چه ویژگی‌هایی می‌شناسید؟ شاید این بار که دقیق‌تر و عمیق‌تر نگران شمع باشید، چیزهای تازه‌تر و شیرین‌تری از شمع بیاموزید.

من این نکته‌ها را از شمع آموختم:

ایستادن و با تاریکی درافتادن!

هر شمع مبارز بزرگی است که با همه توان، رویاروی تاریکی می‌ایستد و به قیمت قطره قطره ذوب شدن، تاریکی را می‌راند و می‌شکند.

از شمع، بیاموزیم و تاریکی را تاب نیاوریم؛ هر قدر بتوانیم. هرگز نگوئیم مگر شمع چه قدر تاریک‌کش است. باشد، همان کم هم خوب است. این جمله حکیمانه را حتماً شما هم شنیده‌اید که: «به جای این که تاریکی را لعنت کنید، شمع بی‌فروزید!»

فراموش نکنید، همه تاریکیها، تاریکیهای بیرونی نیستند. در تاریکی‌های فراوان هست؛ تاریکی چهل، تاریکی کینه، تاریکی گناه و ... و برای زدودن این تاریکی‌ها شمع باید افروخت.

رسم شمع، خود سوختن خاموشانه! و روشنگری سخاوتمندانه است.

شما چه قدر سفره دانسته‌هایتان را سخاوتمندانه برای دیگران می‌گشایید؟ شما برای زدودن «تاریکی» چه قدر صبورانه هم‌چون شمع قد افراشته‌اید؟

سفر زندگی

محمد رضا سنکری

پای درس شمع!

